

شیعه در تاریخ ایران

شیعه چه می گوید و چه می خواهد؟

دکتر سید رضا بیازمد

حکایت قلم نویں

۱۳۸۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	مقدمه
۱۹	یادداشت‌های مقدمه
۱	۱ - بنیادش مذهب شعه
۴	بیعت
۵	راه و رسم مخصوص شعب
۶	سرپیچی معاونه و اختلافات مسئله‌ای
۶	ایرانیان شعه حضرت علی (علیه السلام)
۷	شعه پس از شهادت علی بن ابیطالب
۸	وضع شعبان در دوران سنی امه
۸	حکومت عباسان
۹	تقسیم شعبان به فرقه‌های مختلف
۹	فرقه شعه اثنی عشری
۱۱	فرقه‌های اهل سب
۱۲	مذاهب چهارگانه سب
۱۳	یادداشت‌های بحث اول
۲۳	۲ - شعه، مذهب، قیام
۲۶	موضوع ولایت حکام نامشروع و قیام شعبان
۲۷	حماسه حاویدان، اولین قیام حوس شعبان
۳۴	قیام محار ثقی
۳۵	قیام رید پسر امام رین العاندین
۳۶	قیام ابو مسلم خراسانی
۳۸	قیام‌های دیگر شعبان
۴۰	قیام مردم طبرستان
۴۰	قیام اسماعله

۹۲	رساله بوضیح المسائل	۴۳	فامهای شنعان بعد از حمله مغول
۹۳	وظائف محمّدين	۴۴	فنام اسماعیل صفوی
۹۵	الفات محمّدين	۵۴	فنام حمّسی
۹۷	نادداشهای بخش سوم	۵۷	شروع برورهای مذهبی
۱۰۵	۴ - جهان شعه قبل از سلسله صفویه	۶۱	نادداشهای بخش دوم
۱۱۱	شنعان در ایران	۷۳	۳ - فعه، محمّهد، اجهاد و تقلید در شعه
۱۱۲	موقعیت خاص فم برای شنعان ایران	۷۵	فعه حسب؟
۱۱۳	علمای شعه فم	۷۶	اجهاد چیست؟ محمّهد کسب؟
۱۱۴	حکومهای ایران قبل از صفویه و رابطه آن با شعه	۷۶	تقلید و مرجع تقلید یعنی چه؟
۱۱۵	تصوف و سلسله بوسعه شعه	۷۷	تقلید از محمّهد ریده
۱۱۷	فرقه صوفیان شیخ صفی	۷۷	فزان محمّد اولس منع فعه
۱۱۷	شیخ صفی الدین	۷۹	سب دومس منع فعه
۱۲۱	نادداشهای بخش چهارم	۸۰	سایر منابی فعه برد اهل سب
۱۲۵	۵ - شعه صفوی	۸۰	سایر منابی فعه برد شنعان
۱۲۷	پایه گذاری مذهب شعه در کشوری سبی مذهب	۸۱	عقل تفاوت اصلی فعه شعه و سبی
۱۲۸	ملت و مذهب شعه	۸۱	مخالفس کاربرد عقل در اجهاد
۱۳۴	صوف و شعه	۸۲	ایجاد علم اصول
۱۳۶	تصوف، پایه سلطنت صفوی	۸۳	اهمیت احادب رسیده از امامان در فعه شعه
۱۴۰	مشروعیت حکومت صفوی	۸۴	احادب حعلی
۱۴۱	علمای شعه و کارهای دولتی	۸۴	درجه سدی احادب
۱۴۳	علمای شعه و روابط آنها با شاهان صفوی	۸۵	بدوس فعه شعه و ناسس مدارس سبی فعه و آموزش محمّهدان
۱۴۵	شاه طهماسب اول، پایه گذار شعه صفوی	۸۵	بحصل در حورههای علمنه شعه
۱۴۸	شاه اسماعیل دوم، مخالف سدروی شعه (۹۸۴ تا ۹۸۵)	۸۶	بحصل طلاب در دوره ابتدایی
۱۵۰	مذهب و شاه عباس اول (۹۸۹ تا ۱۰۳۸)	۸۶	بحصل طلاب در دوره متوسطه
۱۵۳	مرگ شاه عباس	۸۷	بحصلات عالنه با دروس خارج
۱۵۴	دوران شاهان صعب	۸۸	احاره رواب و اجهاد
۱۵۴	ورود ملا محمّد نافر مجلسی به سیاست	۹۱	مقلد در مقال محمّهد
۱۵۶	شروع مخالف با صوفیه	۹۲	شرایط دیگر برای محمّهد
۱۵۶	مجلسی ها و سموط صفویه		

۲۱۳	مراجع تقلید شعه در دو قرن اخیر	۱۶۰	شعه بعد از صفویه
۲۱۴	مشروعیت حکومت فاجار	۱۶۲	شعه، مدهبی نا طبعی گسسته
۲۳۷	یادداشت‌های بخش هشتم	۱۶۵	یادداشت‌های بخش پنجم
۲۵۳	۸- سعه در دوران ناصرالدین شاه	۱۷۷	۶- بحولات فکری و مکاتب فعه شعه
۲۵۵	تحریم ساکو اولس روباوینی علما نا حکومت	۱۷۹	ار دوران حضور رسول اکرم نا انقلاب اسلامی
۲۵۷	صدارت امریکسر و رابطه او نا علما	۱۸۳	قسمت اول دوران حضور امامان
۲۶۱	ظهور شیخ مریدی انصاری	۱۸۵	شیوع ثت و نقل احادیث از امامان
۲۶۴	ناصرالدین شاه و علمای دین	۱۸۵	ظهور مکلمان شعه
۲۶۵	شروع نعود فرهنگ اروپایی نه ایران	۱۸۶	طیف وسیع مکاتب فکری شعه
۲۶۷	دو نیشاهنگ فرهنگ عرب	۱۸۶	قسمت دوم - مکاتب فعه شعه از عتب امام نا اول صفویه
۲۶۹	علمای دین و مررا آفاحان نوری	۱۸۷	۱- گروه مکلمان
۲۷۲	میرزا حسن حان سپهسالار و مخالف علما	۱۸۷	۲- گروه اهل حدیث
۲۷۳	شیوع کلمه «آزادی» در ایران	۱۸۷	۳- گروه ممانه‌رو
۲۷۵	علما و تاسس مجلس وکلای تحار ایران	۱۸۷	دوران رویی مکب مکلمان
۲۷۷	مخالف علما نا امن الدوله	۱۸۸	قسمت سوم، مکاتب فعه شعه از صفویه نا اول فاجار
۲۷۸	علما و سناسب در دوران فاجار	۱۸۹	۱- مکب محقق کرکی
۲۸۰	ظهور مررای شیرازی	۱۸۹	۲- مکب معذس اردنبلی
۲۸۲	رتیس دولت و ریس ملت	۱۸۹	۳- مکب احباری
۲۸۳	قیام مردم علیه نعود حارحی - تحریم ساکو	۱۹۰	۴- مکب محمد نافر مجلسی
۲۹۳	یادداشت‌های بخش هشتم	۱۹۰	قسمت چهارم مکب فقهی امروری
۳۰۹	۹- بهصت مشروطه، علما و بحددطلبی	۱۹۱	مکب شیخ انصاری
۳۵۹	یادداشت بخش نهم	۱۹۳	یادداشت‌های بخش ششم
۳۷۱	۱۰- شعه در دوران بهلوی‌ها	۱۹۹	۷- شعه در شروع سلسله فاجاریه
۳۷۳	کوشش برای حدانی مدهب از حکومت	۲۰۱	ناه‌گذاری نظام سناسی و احماعی مدهب شعه امرور
۴۰۹	یادداشت‌های بخش دهم	۲۰۳	دورانه‌های محلف روانط علما و حکومتها
۴۱۷	۱۱- سعه در دوران محمدرضا شاه	۲۰۵	۱- پایه‌گذاری مکب امروری شعه
۴۱۹	رویارویی فرهنگ سنتی نا فرهنگ حارحی	۲۰۶	مراجع تقلید، نمائنده امام عصر
۴۱۹	کشوری نا دو فرهنگ مسافص	۲۰۹	انحجاب مرخع تقلید
۴۲۱	دوران اول کوشش برای حران مافات	۲۱۲	رساله نوصح‌المسائل

۵۱۴	۳- حکومت اسلامی و نظریه فقهی	۴۲۳	طهور افای بروجردی
۵۲۱	مشروعیت حکومت اسلامی	۴۲۶	گروه‌های سیاسی علما
۵۲۲	۴- عقاید انقلابیون از لحاظ دینی و امور اجتماعی	۴۲۶	شروع فعالیت علمای مبارز
۵۲۵	استقلال مجاهد ششم	۴۲۸	ده سال دوران برور
۵۲۶	تأثیر علمای محدث‌طلب در جمهوری اسلامی	۴۳۰	پایان دوران برور
۵۲۷	انقلابیون و دین‌سندی سیاسی	۴۳۰	شروع مجدد دوران برور
۵۲۹	مشکلات حکومت جمهوری اسلامی	۴۳۱	آفای بروجردی مخالف فعالیت‌های سیاسی علما
۵۳۵	خلاصه و سجع‌گیری	۴۳۳	اولس فعالیت علمای مبارز
۵۳۹	یادداشت‌های بحث دوازدهم	۴۳۴	آب الله کاشانی و سیاست
۵۵۳	پیوست‌ها	۴۳۷	خدایی کاشانی و فدائیان اسلام از مصدق
۵۵۳	اختلاف سس مسلمانان سس از رحلت رسول اکرم	۴۴۱	دوران همکاری علما و حکومت
۵۵۵	شرح حادان حصر رسول اکرم	۴۴۶	درگذشت آفای بروجردی، معدمات انقلاب اسلامی
۵۵۹	خلعای سسی‌امه	۴۴۸	اولس گروه‌سندی سیاسی علما
۵۶۱	خلعای سسی‌عباس	۴۵۰	رفرم‌های شاه و شروع انقلاب
۵۶۳	فرقه‌های ششم	۴۵۲	آغار فام حمسی
۵۶۹	سوات حضور امامان ششم اشعی عشری	۴۶۲	آرامش قبل از طوفان
۵۷۱	شرح محصری درباره مکاتب معرله و اشعری	۴۶۵	سدیل فام حمسی نه انقلابی حوس
۵۷۳	تفاوت کلی مذاهب چهارگانه سسی	۴۶۹	آخرین سال رژیم شاهشاهی
۵۷۷	امامب از نظر ششم و سسی	۴۷۷	رور بروری انقلاب ولایت فقهی و مشروعیت حکومت
۵۸۱	فریدان علی سس اسطال و کشته سدگان صحرای کرینلا	۴۸۱	یادداشت‌های بحث یازدهم
۵۸۲	کشته شدگان در کرینلا	۴۹۱	۱۲ - ششم و انقلاب اسلامی
۵۸۳	شجره نامه فرقه اسماعلیه	۴۹۳	دولمردان حکومت اسلامی چه کسانی هستند و چه می‌گویند؟
۵۸۷	سابقه تاریخی اجتهاد	۴۹۴	چرا در ایران انقلاب شد؟
۵۸۹	توصیح ششر درباره مجهد و تقلید	۴۹۵	هجوم فرهنگ سگانه
۵۹۲	وظایف مجهد	۵۰۰	عدم رعایت اصول قانون اساسی
۵۹۵	توصیحات درباره نگهداری قرآن مجهد	۵۰۱	چرا جوانان مجهد نه علما نوسند؟
۵۹۶	قرآء سععه	۵۰۴	انقلابیون چه کسانی هستند و چه می‌گویند؟
۵۹۶	جمع آوری قرآن مجهد نه صورت کتاب	۵۰۵	۱- علمای دس و سیاست
۵۹۹	تفسیر قرآن مجهد و مفسرین قرآن	۵۰۹	رهبر انقلاب که بود و چه می‌گفت؟

۶۵۱	علمای مکتب احناری	۶۰۱	طبقات مفسرین شعه
۶۵۳	فقه‌های اصولی از فقه افغانه تا وحدت بهیمنی	۶۰۲	مفسر قرآن توسط قرآن
۶۵۷	وحدت بهیمنی و سروان مکتب او	۶۰۳	کتب مشهور مفسر
۶۶۰	شاگردان آخوند خراسانی	۶۰۳	آیات مشانه
۶۶۱	رساله توضیح المسائل	۶۰۵	بوصح بشیر دربارہ سب و شعه
۶۶۴	جامع عباسی و مقایسه آن با بوصح المسائل آقای بروجردی	۶۰۵	۱- انواع حدیث
۶۶۷	مراجع تقلید از اول فاجار تا انقلاب اسلامی	۶۰۵	۲- حدیث از حدیث فسمب تشکیل شده است
۶۷۱	خلاصه عقائد علمای رفرمست	۶۰۶	۳- درجه اعتبار حدیث
		۶۰۹	بوصح بشیر دربارہ عصمت امامان
		۶۱۰	عصمت برد سایر فرقه‌های اسلامی
		۶۱۳	صورت کتب حدیث برد شعه
		۶۱۳	راویان حدیث
		۶۱۳	اصحاب اجماع
		۶۱۴	کتب اربعه
		۶۱۵	صورت کتب حدیث برد اهل سب
		۶۱۷	سایر منافی فقه برد سب
		۶۱۹	نمونه احاره های مجلسی
		۶۲۶	نمونه احاره‌های حدید
		۶۲۶	۱- احارهٔ اجتهاد
		۶۲۷	۲- احارهٔ روایت از آیت الله شهاب الدین مرعشی نجفی
		۶۳۰	نمونه احاره در مورد امور حسسه و شرعه
		۶۳۰	احاره امام خمینی نه حاج شیخ صادق حلحالی
		۶۳۰	احاره امام خمینی نه فقه الاسلام آقای بردی
		۶۳۳	شرح حال علمای زمان شاه عباس
		۶۳۹	مکتب احناری
		۶۴۱	فقه‌های مشهور شعه
		۶۴۵	فقه‌های دوره نقد
		۶۴۵	مکتب محقق و علامه
		۶۴۷	ح - فقه‌های شعه از اول صفویه تا اول فاجار

شیعه در تاریخ ایران

مقدمه

رور ۲۶ دی ماه سال ۱۳۵۷ شمسی، هنگامی که محمدرضا شاه پهلوی، شاهشاه آریامهر، افسرده و گریان در فرودگاه مهرآباد سوار هواپیما شد. هیچ یک از مردم ایران ناور نمی‌کرد که شاورده رور بعد، در ۱۲ بهمن، آیت الله روح الله حمیی (امام حمیی) رهبر انقلابیون اسلامی (۱) در میان استقبال میلیونها نفر از طرفداران خود، از تعید ۱۵ ساله نه ایران برگردد، در همس فرودگاه ار هواپیما پناده شود و دستگاه سلطت ۲۵۰۰ ساله و ارتش حاویدان شاهشاهی ایران را برچید و نه حای آن یک حکومت جمهوری اسلامی، بر پایه ناورهای سیعیان دوارده امامی، برقرار کند

وقتی که چیس شد، روشعکران، ارتشیان و سیاستمداران ایران و جهان، چپگرا و راسگرا و میانه‌رو، مات و مهوت شدید که چگونه در قرن بیستم، هنگامی که کشور ایران ار لحاظ رفاه، امیت و قدرت نظامی هرگر بدان پانه نرسیده بود، حماعتی ار علمای شیعه ایران توانستند، نا ناورهای فدیمی و حاص خودشان، مردم را آن چنان نه خود حدب کند که نا دست حالی و سلاح «الله اکبر» در مقابل ارتش محهر و آموزش دیده ایران قیام کند و انقلابی چیس حوس نه راه اندارید، رژیم سلطت را واژگون، شاه را ار کشور خارج و سردمداران آن رژیم را نگیرد و اعدام کند اس را حتی یک نفر هم، نه در ایران و نه در جهان ناور نمی‌کرد

کار که ارکار گذشت، تاره ساستمداران و دولت‌مردان پیشین پرسیدید این حاکمان حدید چه کسانی هستند، چه می‌گوید و چه می‌خواهند؟ اما

این فرنگیان را دنبال کردند، اما هنوز عامه مردم ایران، از این بحث مهم تاریخ کشورشان اطلاع کافی ندارند (۲)

برای رفع این نقیصه، ما بر آن شدیم که تاریخ شعه را در ایران به اختصار و نه زبان ساده نویسیم باشد که «ایرانیان نا آشنا به تاریخ شیعه اتی عشری» خصوصاً جوانان، از تاریخ پیدایش این مذهب و عقاید و ناورهای آن و از مبارزات ۱۴۰۰ ساله بررگان و رهبران شیعه با حاکمان و شاهان آگاه شوند این کتاب محصراً حسه تاریخی دارد و حسه سیاسی و مذهبی ندارد و نشان دهنده عقاید و ناورهای دینی نویسنده یا ناشر آن نیست این تاریخ شعه است، نه تاریخ شاهان کوشش شده است بی طرفی کامل رعایت گردد و از بحث مذهبی، و طرفدارانی از گروهی بر علیه گروه دیگر، خودداری شود اگر در حایی مطلبی علیه کسی گفته شده، منظور فقط شرح واقعه است، نه حبه گیری در موضوع

ناو خود اینکه منظور اصلی در این کتاب حسه «تاریخی» موضوع است، نه تعلیم مذهبی (که نویسنده نه هیچ وجه صلاحیت دحالت در آن را ندارد)، و گرچه بهایت کوشش به عمل آمده که از اصطلاحات دینی و تعلیم مذهبی و ذکر مطالبی که بر گوش نا آشیایان سگین است خودداری گردد، ولی چون «علمای دس» برای خود زبان محصوص و اصطلاحات حاصی دارند، برای سهولت درک «شرح حال و عقاید آنان» ناچار در برخی موارد نویسنده، به کاری که در آن بی اطلاع است دحالت کرده، محتصر «گریزی» به مطالب مذهبی رده سده تا دهن خوانندگان به این اصطلاحات آشنا شود

متن این کتاب در بهایت سادگی نوشته شده تا برای همگان قابل استعاده باشد در ضمن برای آنان که علاقمند به اطلاعات بیشتری باشند، در برخی موارد توضیحات اضافی در یادداشتهای انتهای هر بخش داده شده و یا در آخر کتاب (در بخش پیوستها) مطلب با تفصیل بیشتر بیان شده است

گر حطاً گفتیم اصلاحش توکن مصلحی تو، ای تو سلطان سخن
کار تو، تسدیل اعیان و عطا کار ما، سهواست و سییان و حطاً

کسی حوات آنها را نمی داسست آنچه ایرانیان در تاریخ خود خوانده بودند، تاریخ شاهان بود، نه تاریخ این حماعت حماعتی که چهارده قرن بین مردم ایران زندگی کردند، لباس محصوص خودشان را به سرمودند، نه مدرسه محصوص خودشان رفتند، بین هم وصلت کردند، نه لهجه خودشان سخن گفتند و نا آداب و رسوم خودشان زندگی کردند حماعتی که ما هر رور آنها را می دیدیم و نه نام معلّمین روحانی حماعه، که با کار دنیا و دیاداری کاری ندارند، نه آنها احترام می گذاشتیم

تاریخ نویسان ایران درباره عقاید و مبارزات شیعیان، محتهدان و مراحم تقلد که یکی از بخشهای مهم و سربوشت سار ایران بوده، نه بدرت به پژوهشهای حدی و عمیق دست رند تا روری که انقلاب اسلامی به راه افتاد نارهم آن رور، نه حای اینکه روشنفکران و نویسندگان ایرانی در ساره رژیم حدید تحقیق کند و در شاحت عقاید و رهبران آنان نکوشد و مردم را با افکار انقلابیون آشنا ساربد، قلم به دست گرفته، نه استهراء این حماعت پرداختند و امید دادند که چون ایان از سیاست بی بهره و نه اداره امور کشور ناوارد و حمایت روشنفکران را در نشت سر ندارند و حصوصاً چون ناورهای آنان کهبه و قدیمی است و در قرن بیستم حریدار ندارد، کسی از آنان طرفداری نخواهد کرد و نه رودی حکومتشان برچیده خواهد شد

هیچده سال گذشت، همین حماعت «نا آشنا به کار کشورداری» به تنها حکومتشان برچیده شد، بلکه توانستند مملکت را اداره کند و همت سال نا دشمنی فوی که چشم طمع به قسمتی از حاک ایران دوخته بود حگ کردند و میلیونها نمر ایرانی نا از خودگذشتگی و «ایثار حان خود» از آنان طرفداری کردند تا آنها نتواند در مقابل تمام کارشکنیهایی که از داخل و خارج بر ایشان راه انداخته شد، مقاومت نماید

مثل همیشه نار هم پژوهشگران خارجی بودند که نا معیارهای محصوص خود پیشقدم شدند، تا به طور حلاصه نویسد که «شیعه چیست، چه می گوید و چه می خواهد» متعاقب آن تعداد کمی از تاریخ نویسان ایرانی کار

بیعت

بلافاصله پس از رحلت حضرت محمد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسئله حاشیایی آن حضرت بین مسلمین اختلاف افتاد و دو مشرب سیاسی و عقیدتی متفاوت فعالیت خود را آغاز کردند. یک گروه عقیده داشتند که حاشیین پیامبر باید از طریق بیعت (انتخابات و با رای اکثریت) تعیین شود، این گروه بعدها به «اهل سنت» مشهور شدند گروه دیگر که به «شعیبان» مشهور شدند، می‌گفتند مسئله حاشیایی پیامبر چیری نیست که به رأی گذاشته شود همان گونه که سؤت پیامبر طوق مشیت الهی بوده، در مورد حاشیین او هم به همین صورت است حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) کسی را که بر سؤق مشیت الهی، بعد از او کار مسلمین را باید به دست گیرد معس کرده است (۱) این دو گروه را می‌توان گروه معتقدان به «بیعت» و گروه معتقدان به اولایت» نام نهاد

ریشه این اختلافات برمی‌گردد به داستان عدیرحم که بدین صورت بود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در مراجعت از آحرین سفر حج که به «حجّة الوداع» معروف است، در محلی به نام «عدیرحم» کلیه همراهان را گرد آورده، برای آن سحرانی مفصلی کرد و صم آن فرمود «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيَّ مَوْلَاهُ، هِر كِس رَا كِه مِم مولا و دوست - اس عمم مرتضی مولای اوست» بعد از این واقعه مهم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) چند هفته بیشتر زندگی نکرده و رحلت فرمود (۲)

حلاف بین دو گروه از مسلمانان از معبای کلمه «مولی» ناشی شد عده‌ی گفتند «مولی» یعنی «دوست» به حلیقه یا حاشیین، و منظور حضرت

پارسی از پای درآمد او هنگام احتضار شش نهر را انتحاب کرد علی بن ایطال، عثمان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و سپس گفت که بعد از فوت او آنها در اطاق درسته نشیند و از بین خود حلیه آتی را برگزیند (۱۰) این گروه عثمان را برگزیدند (۱۱) ابوبکر و عمر و عثمان را «حلفای سه گانه» می نامند

در تمام این مدت، شیعیان علی هرگز خلافت ابوبکر و عمر و عثمان را قبول نکردند و همیشه گفتند که خلافت بر مسلمین، حقّ علی بن ایطال (علیه السلام) است و حتی گفتند که «لقب امیرالمومنین» هم حاصّ علی (علیه السلام) می باشد (۱۲) تا نالاحره پس از قتل عثمان، حضرت علی بن ایطال (علیه السلام) از طریق رأی مردم به خلافت اسحاب شد ابوبکر، عمر، عثمان و علی بن ایطال (علیه السلام) را «حلفای راشدین» یا «حلفای اربعه» می نامند (۱۳)

راه و رسم مخصوص بیعت

روش انتحاب حلفای راشدین (ابوبکر، عمر، عثمان و علی (علیه السلام)) نشان می دهد که طبق رسوم آن روز، بیعت را می توانستند به سه طریق انجام دهند

۱- از طریق شوری (انتحاب عثمان بن عفان).

۲- از طریق اجماع (انتحاب علی بن ایطال (علیه السلام))

۳- از طریق بص (انتحاب عمر بن الخطاب)

(انتحاب ابوبکر را برحی «اجماع» و برحی «شوری» می دانند)

در زمان خلافت حضرت علی (علیه السلام)، معاویه پسر ابوسفیان که حاکم شام (دمشق) بود قیام کرده، از دستورات حلیه سرپیچی کرد حضرت علی (علیه السلام) به جنگ او رفت معاویه در حال شکست بود که دستور داد سرانارش قرآن ها را بر سر بیره کند جنگ متوقف شد و معاویه پیشنهاد «حکمت» کرد. در حکمت نماینده معاویه حدعه کرد و خلافت معاویه تأیید شد این حکمت موحب اولین اختلاف بزرگ شیعیان علی شد چرا که عده ای از طرفداران حضرت علی (علیه السلام) با حکمت مخالف بودند و بر علیه ایشان شوریدند و «گروه خوارج» را تشکیل دادند (۱۴)

رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) این بوده که مسلمانان باید علی بن ایطال (علیه السلام) را مانند خود ایشان دوست داشته باشند اگر منظور رسول خدا این بود که علی بن ایطال علیه السلام حانشین ایشان شود، این موضوع را پس از عدیر حم و قبل از رحلت صراحتاً می فرمود عده دیگر معتقد بودند که «مولی» یعنی «رهبر» و منظور رسول خدا این بوده که هر کس ایشان را رهبر خود می داند، باید علی بن ایطال (علیه السلام) را پس از ایشان رهبر خود بداند این گروه بعدها به شیعیان علی (علیه السلام) (= طرفداران علی) مشهور شدند (۳)

نتیجه این اختلافات این شد که هنگامی که علی بن ایطال (علیه السلام) و یاران نزدیک او مشغول غسل دادن، کفن پوشاندن و آماده کردن حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای دفن بودند، معتقدین به بیعت در محلی به نام «سقیه نبی ساعده» جمع شدند و ابوبکر صدیق را از طریق بیعت برای خلافت مسلمین انتحاب کردند (۴)

البته منظور از «بیعت»، برقرار کردن صندوق رأی و رأی دادن اکثریت مسلمانان، مانند روشهای امروزی نبود بلکه بیعت راه و رسم مخصوص به خود داشت مثلاً هنگام انتحاب حلیه اول، عمر بن الخطاب، ابوبکر را برای خلافت پیشنهاد کرد و از مردم خواست که با او بیعت کنند مردم هم آن کار را کردند چون مردم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را «رسول الله» می خواندند، ابوبکر را «حلیه رسول الله» یا به طور خلاصه «حلیه» خواندند و از اینجا کلمه «حلیه» بین مسلمانان متداول شد (۵) «حلیه» به معنی پیشوای مسلمین، بلکه امیر مؤمنان، فرمانروای مجاهدین و فرمانده عالی کلّ قوای اسلامی بود (۶)

خلافت ابوبکر کمی بیش از دو سال به طول انجامید ابوبکر قبل از فوت وصیت کرد که مردم با عمر بن الخطاب بیعت کنند (۷) و مردم هم چنین کردند و عمر به خلافت رسید (۸) حلیه اول و دوم، یعنی ابوبکر و عمر را «شیخین» می نامند (۹)

عمر بن الخطاب ده سال خلافت کرد و در سال ۲۳ هجری با حجر علام